

مطالعه نقش واسطه‌ای اعتماد بین زوجین در تاثیر گذاری دخالت خویشاوندان بر شوهر آزاری (مورد مطالعه: مردان متاهل کلان شهر تبریز)

محمد عباس زاده^{۱*}، پویان احیایی^۲، کمال کوهی^۳

چکیده

خشونت خانگی از قدیم الایام، موضوع چالش برانگیزی در بین خانواده‌ها بوده است، آنچه که عمدتاً بیشتر از گذشته مطمح نظر بوده، خشونت علیه زنان است، ولی واقعیت این است که شوهر آزاری نیز به مجموعه خشونت‌های خانگی اضافه شده است؛ چیزی که گهگاه نمود آن به نوعی در سپهر اجتماعی شهری مشهود است. به همین خاطر این مقاله در نظر دارد ضمن سنجش میزان شوهر آزاری در بین مردان متاهل شهر تبریز، به برخی از عوامل موثر بر آن پرداخت نماید. روش تحقیق با رویکرد کمی نگاشته شده و از این حیث با اتکا به پارادایم پوزیتویستی تلاش داشته است با کاربرد پرسشنامه، هدف یاد شده را در بین ۲۷۰ نمونه آماری منتخب از شهر تبریز به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بررسی نماید. نتایج یافته‌ها حکایت از وجود شوهر آزاری در جامعه آماری مورد بررسی (ولو متوسط به پایین) داشته است. هم‌چنین در بین متغیرهای مهم تاثیرگذار ضمن اینکه متغیر دخالت خویشاوندان بیش‌ترین تاثیر را بر میزان شوهر آزاری داشته، متغیر اعتماد اجتماعی بین زن و شوهر نیز با تاثیرپذیری از متغیر یاد شده، اثر شایان توجهی را بر متغیر وابسته گذاشته است؛ طوری که در مجموع متغیرهای مورد استفاده توانسته‌اند ۵۶ درصد از واریانس تغییرات متغیر شوهر آزاری را تبیین کنند. این مورد می‌تواند زنگ خطر را برای متولیان امور فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با احتمال ایجاد خدشه در ثبات خانوادگی به صدا درآورد.

واژه‌های کلیدی: شوهر آزاری، اعتماد بین زوجین، دخالت خویشاوندان، مردان متاهل

^۱ - دکترای جامعه‌شناسی، دانشیار دانشگاه تبریز

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

^۳ - دکترای جامعه‌شناسی، استادیار دانشگاه تبریز

* نویسنده مسئول مقاله: abbaszadeh2014@gmail.com www.SID.ir

مقدمه

خانواده، یکی از نهادهای مهم جامعه بشری است که زیربنایی‌ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود. تأثیر خانواده بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به حدی است که هیچ صاحب نظری نمی‌تواند آن را انکار کند؛ زیرا خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادّی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضاء، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است. با این حال، در عصر حاضر، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌های اساسی گردیده و حتی گاه اساس و تمامیت آن نیز به زیر سؤال رفته است. در این میان، «خشونت خانگی»^۱ که عمری به قدمت خانواده دارد، به عنوان پدیده‌ای که روابط سالم خانوادگی را متزلزل ساخته و بعضاً از بین می‌برد، در میان دیگر بحران‌ها از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. در واقع خشونت خانوادگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر به آن متوسل می‌شود. برای مثال ابراز رفتارهای حسادت گونه افراطی و ایجاد رعب و وحشت در دیگری که موجبات انزوا و تنهایی را در قربانی فراهم می‌آورد و باعث می‌گردد تا فرد متخاصم در موضع کنترل دیگر افراد در خانواده باقی بماند (Abbaszadeh et al. 2015. p 1).

از بین انواع خشونت خانگی همسرآزاری شامل بدرفتاری علیه طرف مقابل، در هر نوع رابطه نزدیک و صمیمی، خشونت در خانواده و خشونت علیه همسر است، همسر آزاری می‌تواند اشکال گوناگون بدنی، کلامی، عاطفی، روانی، جنسی و اقتصادی داشته باشد. در روابط زناشویی سوءرفتار با همسر یک مشکل جدی است که خطوط قرمز فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را زیر پا می‌گذارد و می‌تواند تأثیر اساسی بر سلامت جسمی و روانی خانواده داشته باشد. شایع‌ترین نوع خشونت، خشونت اعمال شده توسط شریک زندگی است که از آن با عنوان خشونت خانگی یا (خشونت توسط شریک نزدیک یا هم‌خانه)^۲ یاد می‌شود (Kranz et al, 2005. P 1048).

پدیده همسر آزاری و خشونت هم از طرف مرد علیه زن و هم از طرف زن علیه مرد امکان وقوع دارد. اما هر وقت از همسر آزاری صحبت می‌شود، بلافاصله در ذهن مخاطب اذیت و آزار، ضرب و جرح، تنبیه بدنی و موارد مشابه از سوی مرد نسبت به زن خطوط کرده و چنین تداعی می‌شود که در جوامع پیشرفته امروزی تنها زن است که مورد آزار و ستم قرار می‌گیرد. بنابراین از سر دلسوزی و ترحم، زن به عنوان موجودی ضعیف و مظلوم تجسم و در مقابل، مرد خشن، سنگدل و بی‌عاطفه تلقی می‌شود. اما باید گفت همسرآزاری فقط به زن آزاری محدود نبوده و شامل هردو طرف زوجین می‌شود. تقریباً در نیمی از خانواده‌ها این مسئله وجود دارد و اغلب زنان را درگیر می‌کند، امروزه

¹. Domestic violence

². Intimate partner violence

می‌توان گفت که پدیده همسر آزاری شامل حال هر دو نفر از زوجین است و در جوامع مختلف به طرق گوناگون تجلی می‌یابد (Samadi Rad et al, 2007. P 251).

در بین انواع همسر آزاری، پدیده شوهر آزاری، پدیده‌ای غیر شایع نیست که بتوان از آن صرف نظر کرد یا آن را به فراموشی سپرد؛ بایستی در پی علت آن بود که چرا شوهرانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند، اعمال خشونت نسبت به خود را کتمان و ادامه چنین وضعی را تحمل می‌کنند. به دلیل کتمان این مسئله و عدم مراجعه شوهران مورد آزار به مراجع قضایی و سایر نهادهای مرتبط، بر آورد درستی از میزان واقعی شوهر آزاری در جوامع در دست نمی‌باشد، در مجموع اطلاعاتی که در این رابطه در دسترس می‌باشد، نشان می‌دهد که شوهر آزاری همانند زن آزاری یک مشکل جدی بوده و از اهمیت یکسانی برخوردار می‌باشد، مطالعات انجام گرفته در سال‌های اخیر نشان‌دهنده میزان نزدیک شیوع این خشونت با زن آزاری می‌باشد (Gelle, 1977, P 431-432).

بر اساس مطالعات مقدماتی و اکتشافی انجام شده روزانه شاهد بسیاری از مصادیق مستقیم و غیر مستقیم شوهر آزاری در جامعه خودمان هستیم از جمله: دهن کجی زنان به مردان، سو استفاده از اموال همسر، تحریک همسر به روش‌های مختلف، مقایسه نابجای همسر با اطرافیان و عواملی چون بی‌اعتمادی زن به شوهر خویش و یا دخالت‌های نابجای خانوادگی و غیره که باعث می‌شود مردان به نوعی از دست آزارهای جسمی و روانی و کلامی همسران خود در عذاب باشند و از آن شکایت کنند (Abbaszadeh et al. 2015. p 5).

شوهر آزاری علی‌رغم این که همواره به شکل طنز مطرح شده و در قالب داستان‌های فکاهی بدان اشاره می‌شود، همانند زن آزاری از میزان بروز قابل توجهی برخوردار است. شوهر آزاری به علت قدرت فیزیکی بالای مردان و باورهای رایج موجود در جامعه و این که امکان اعمال آزارهای جسمی و روحی از طرف بانوان به همسرانشان کمتر می‌باشد و نیز به علت اجتناب بسیاری از آقایان از بیان خشونت اعمال شده علیه آنها همواره به بوته فراموشی سپرده شده است (Samadi Rad et al, 2007. P 261).

لذا آمار دقیقی در این زمینه در دسترس نیست و محققین معدودی در این خصوص به مطالعه پرداخته‌اند و در کشور ما نیز به وجود مراکزی که پی‌گیر این خشونت‌ها بوده، نیاز جدی احساس می‌شود بر این اساس بررسی پدیده شوهر آزاری و عوامل واسطه‌ای تاثیر گذار بر آن از جمله اعتماد بین زوجین و دخالت خویشاوندان در بین مردان متأهل شهر تبریز اساس این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بنابراین سوال اساسی این پژوهش این است که میزان شوهر آزاری در بین جامعه مورد بررسی در چه حدی بوده و از بین عوامل یاد شده کدام یک بیش‌ترین تاثیر را بر آن دارند؟

مبانی نظری

آن چه در این بخش به آن اشاره می‌شود، مبانی نظری مرتبط با خشونت با تاکید بر شوهر آزاری و عوامل مرتبط با آن به لحاظ نظری است. خشونت خانگی در متون تخصصی خشونت، معادل واژه Violence به کار می‌رود که به معنای زور، تجاوز به عنف، شدت و سختی است. فرهنگ آکسفورد، این کلمه را به معنای تجاوز، زیان، آسیب، شدت، خشونت، تهدید، غضب، بی‌حرمتی، و اعمال زور به کار برده است. فعل Violate نیز به معنای شکستن، تخلف کردن، بی‌حرمتی کردن، توهین کردن، به حریم کسی یا چیزی تجاوز کردن و تجاوز به عنف آمده است. فرهنگ دهخدا، خشونت را به معنای درشتی و زبری و ضد نرمی دانسته است. آکادمی ملی علوم آمریکا خشونت را رفتاری تعریف می‌کند که توسط فردی به قصد تهدید یا آزار بدنی دیگران بروز می‌کند (Sa'adati, 2011. P 52).

از دید گلز و استرواس^۱، خشونت رفتاری آگاهانه در نظر گرفته می‌شود که نتایج احتمالی آن، ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است. خشونت را می‌توان عملی آسیب‌زا دانست که فرد برای پیش برد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد، بلکه ممکن است ابعاد روانی (مانند فحش، تحقیر، منزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و مزاحمت جنسی، تجاوز) و اقتصادی (مانند شکستن وسایل و...) را به خود می‌گیرد (AzamAzadeh & Dehghanfard, 2006. P 166).

کوکلی^۲ تعریفی نسبتاً جامعی از خشونت ارائه می‌دهد. وی معتقد است، خشونت ناظر به رفتاری است که با نیت تخریب اموال یا صدمه زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و متضمن بی‌توجهی محض به سلامت دیگران و احتمالاً خود است، از نظر سازمان بهداشت جهانی، خشونت یعنی استفاده عمدی از قدرت و نیروی فیزیکی به صورت تهدید یا اعمال واقعی آن علیه خود، فرد دیگر یا علیه اجتماع است، به طوریکه موجب آسیب، صدمه، مرگ، آسیب روانی و محرومیت شود. این تعریف دربردارنده خشونت میان فردی - بین فردی و اجتماعی است و دامنه‌ای از فعالیت‌ها و انواع پیامدهای آن را در بر می‌گیرد (Rahmati, 2009. P 20).

به طور کلی می‌توان خشونت را از نظر مفهومی کنش و عملی در نظر گرفت که فرد یا افرادی از روی اراده و آگاهی، به منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی - روانی به دیگران انجام می‌دهند (Seddigh Sarvestani, 2008. P 113). بررسی‌های خشونت در خانواده با اعمال خشونت فیزیکی نسبت به کودکان شروع شد، اما به زودی زنانی که از همسران خود کتک می‌خورند را نیز در

¹.Gelles and Straus

².Coakley

برگرفت و روشن شد که این پدیده در تمام قشرهای جامعه به چشم می‌خورد. پس از خشونت‌های فیزیکی نگاه محققان متوجه اعمال خشونت‌های روانی نسبت به اعضای خانواده شد. تحقیقات بعدی بر پیچیده‌ترین مبحث خشونت خانوادگی یعنی تجاوز، سوءاستفاده جنسی از کودکان و زنان متمرکز شد. در دهه ۸۰ میلادی، محققان با پدیده جدید یعنی اعمال خشونت نسبت به کهنسالانی که با خانواده زندگی می‌کردند رو به رو شدند و معلوم شد درصدی از افراد کهنسال در خانواده مورد بد رفتاری‌های جسمانی، روانی، و بی‌توجهی قرار دارند (Ezazi, 2004. P 201). در دهه‌های اخیر نیز چالش‌هایی در زمینه بعد دیگری از خشونت خانگی تحت عنوان پدیده شوهرآزاری توجه محققان را به خود جلب کرده است که دارای انواعی است. بر اساس مطالعات چهار نوع خشونت علیه شوهر تشخیص داده شده است که در زیر به معرفی هر کدام پرداخته می‌شود:

شوهرآزاری روانی: بعضی از خشونت‌های زنان، به روح و روان شوهر آسیب می‌رساند و او را تحت فشارهای روحی و روانی قرار می‌دهد. معمولاً این نوع شوهرآزاری شیوع بیش‌تری داشته و به صورت غیرمستقیم اثرات مخربی بر جای می‌گذارد (Kraj, 2002. P 52).

شوهرآزاری فیزیکی: این مسئله اغلب در خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که زن دارای تسلط و قدرت بیش‌تری است. در این خانواده‌ها زن نقش اصلی را در خانواده ایفا می‌کند و توقع دارد که سایر اعضای خانواده تصمیمات وی را پذیرفته و به آن احترام بگذارند، هم‌چنین در مواردی که زن احساس کند دستورات او توسط شوهرش نقض می‌گردد، این حق را برای خود محفوظ می‌داند که با او درگیری پیدا کند (Ghassemi Roshan, 2003. P 50).

شوهرآزاری جنسی: یکی از وظایف اصلی زن به جهت جلوگیری از انحرافات اخلاقی همسر، ارضای نیاز جنسی شوهر است زیرا تامین این نیاز یکی از کارکردهای اصلی خانواده محسوب می‌شود، در بعضی از مواقع اجتناب از تامین این نیاز منجر به آزار و اذیت مرد شده و زمینه را برای مواجهه مرد با زنان دیگر و تحریک غریزی و مشکلات روحی و روانی فراهم می‌کند (Joanne et al, 2006. P 375).

شوهر آزاری مالی (اقتصادی): نوع دیگری از آزار و اذیت علیه شوهر صبغه اقتصادی داشته که عمدتاً شامل تصرف بدون اجازه، تخریب و نابودی اموال شوهر می‌باشد، تصرف غیرقانونی اموال شوهر، اسراف و تهدید به گرفتن تمام مهریه از جمله مواردی می‌باشد که زنان موجب نارضایتی شوهر شده و وی را در تنگنای اقتصادی قرار می‌دهند (GhassemiRoshan, 2003. P 51-52).

بر اساس موارد یاد شده یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر شوهر آزاری تاثیر داشته باشد دخالت‌های نابجای خویشاوندان همسر است که برای تبیین آن می‌توان از نظریه شبکه‌های درون‌گروهی سود جست. این نظریه، هر نظریه غیرساختی را که فرآیندهای اجتماعی را ناشی از جمع کنش‌گران

فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند، رد می‌کند. الیزابت بات^۱، درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌داند. هر چه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هر چه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیش‌تر تابع سلسله مراتب است، عکس قضیه نیز صادق است، هر چه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های زنانه و مردانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند. اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه‌ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد، به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت‌هایی که شبکه مجاز می‌داند کشیده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف‌ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد (AzamAzadeh & Dehghanfard, 2006. P 8). بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تاکید دارد و بیان می‌دارد هر چه روابط زوجین و شبکه کمتر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد زوجین نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند؛ چراکه باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله زمینه بروز اختلاف و همسر آزاری در خانواده را به وجود می‌آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال می‌شود (Riahi et al, 2007. P 120)

دومین متغیری که در این تحقیق تاثیر آن بر شوهر آزاری مورد بررسی قرار گرفته است، اعتماد بین زوجین است که می‌توان برای تبیین آن از نظریه اثرات تعامل هابرماس^۲ و نظریه سرمایه اجتماعی فوکویاما استفاده نمود. به لحاظ تحلیلی، چلبی در سطوح مختلف اجتماعی روابط تعاملی را دارای دو وجه می‌داند؛ یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری. سنخ عالی با وجه ابزاری، نوعی مبادله سرد است. خصلت این‌گونه تعاملات، تصادفی و مشروط بودن آن است و به تنهایی نمی‌توانند دوام بیاورند. اما آن‌چه افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث تکرار و دوام و متشکل شدن تعاملات می‌گردد، بعد اظهاری تعامل است. از طریق چنین تعاملی می‌توان به تعهد، اعتماد و صمیمیت دست یافت (Chalabi, 1996. P 17). بعد اظهاری تعامل در گروه‌های اجتماعی از طریق روابط گفتمانی تداوم می‌یابد. در این‌گونه روابط اندیشه، فکر و عمل به صورت استدلالی، توزیع و مبادله شده و به نوعی مفاهمه فرهنگی داوطلبانه منجر می‌شود و خصلت تحریکی، تکلیفی و اجباری از آن سلب می‌گردد اختلال در روابط گفتمانی، گروه را در معرض آسیب‌های گوناگون و از جمله خشونت

1. Elizabet Bat

2. Habermas

قرار می‌دهد (Chalabi, 1996. P 65). بر اساس نظریه اثرات تعامل، شرایط گفتگوی دو طرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد تا کنش‌گران در فضایی به دور از تنش، نظرات خویش را تبادل نمایند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنش‌گران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوت‌شان را از طریق اجتماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است، هماهنگ کنند. «زبان مشترک» این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف نظر برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز فقط باید طرفین به دلیل متوسل شوند. پس نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیرخشن دلایل است (Habermas, 1998. P 45). به گفته هابرماس در حوزه خانواده، در صورتی که امکان گفتگوی استدلالی در میان همسران وجود داشته باشد، می‌توان سلامت خانواده را انتظار داشت؛ چرا که افرادی که از گفتگو و تعاملات استدلالی با دیگران خودداری می‌ورزند، مستعد گرایش به خشونت می‌شوند و همسرانی که مهارت‌های ارتباطی قوی نداشته قادر به جلب اعتماد همسر خود نبوده و در مذاکره و گفتگو در رابطه با موضوعات مختلف، رابطه پر تنشی را تجربه می‌کنند که محصول آن نارضایتی، بی‌اعتمادی، حسد، خشونت و بدبینی است (Dallos, 1994. P 20).

فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۷)، سرمایه اجتماعی را ذخیره جامعه از ارزش‌های مشترک و مؤثر و نیز هنجارهای غیررسمی جاافتاده‌ای می‌داند که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. به نظر وی الزامات اساسی سرمایه اجتماعی عبارتند از: هنجارهای غیررسمی، صداقت، اعتماد. فوکویاما نیز با بهره‌گیری از مفهوم سرمایه اجتماعی، یک نظریه اعتماد اجتماعی تدوین می‌کند. قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه، به میزان پابندی اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک، و توانایی آنها برای چشم‌پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی، بستگی دارد. به اعتقاد فوکویاما، از طریق پابندی به این هنجارها و ارزش‌های مشترک، اعتماد پدید می‌آید؛ اعتمادی که از طریق مناسبات مثبت اجتماعی و بر پایه بده بستان، تعهد اخلاقی و تفکر پدید آمده باشد و نه از روی حسابگری‌های روزمره (Chanley et al, 2000. P 8).

از دیگر متغیرهای تاثیرگذار بر شوهرآزاری که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته استنوع شغل و تحصیلات همسر می‌باشد که برای تبیین آن می‌توان از نظریه منابع سود جست. نظریه منابع یکی از اولین نظریه‌هایی بود که در حوزه خشونت خانوادگی به کوشش ویلیام گود^۱ مطرح گردید. از دید نظریه پردازان منابع، تعادل قدرت میان زن و شوهر، ارتباط نزدیکی با منابع دارد که هر کدام از آنها با خود به رابطه زن و شوهری می‌آورند. بر اساس این دیدگاه رابطه مستقیمی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی زن و قدرت وی در ساختار خانواده وجود دارد. بر این اساس هرچه پایگاه

¹. William Goode

اقتصادی- اجتماعی زن در برابر شوهرش کاهش یابد، خودرایی و نابرابری جنسی افزایش می‌یابد و زنان از عرصه تصمیم‌گیری کنار گذاشته می‌شوند. وقتی زنان نسبت به شوهران‌شان منابع بیش‌تری در اختیار داشته باشند، توان آنها برای به کرسی نشاندن خواسته‌های‌شان افزایش می‌یابد. این افزایش توان به خوبی در فرایند تصمیم‌گیری درون خانواده رخ می‌دهد (Ezazi, 2001. P 81). زنانی که نسبت به شوهران خود از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتری برخوردارند، بیش‌تر در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند، به بیان دیگر هم زمان با افزایش منابع زنان متأهل قدرت آنها نیز افزایش می‌یابد. مسلماً این جا به جایی در توزیع قدرت با عقاید پدرسالارانه جامعه سازگار نیست. بنابراین هرچه زنان نسبت به شوهران‌شان به منابع بیش‌تری از قبیل درآمد بیش‌تر و تحصیلات بیش‌تر دست یابند، هنجارهای سنتی را بیش‌تر زیر پا خواهند گذاشت و بیش‌تر با استفاده شوهر برای پایداری سلطه مردانه مخالفت خواهند ورزید (Haarr, 2007. P 248).

پیشینه تجربی

نتایج تحقیقات داخلی

قاسمی روشن در سال ۱۳۸۲ در پژوهشی به مطالعه رفتارشناسی آزار علیه شوهر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی پرداخته است. نتایج حاصل از مطالعات اکتشافی گویای این امر بوده که هرچند همسر آزاری پدیده‌ای است که از گذشته‌های دور در جوامع مختلف وجود داشته است، ولی در عصر حاضر، شوهر آزاری به جهت شکل‌گیری نهضت‌های فمینیستی و نفوذ و گسترش افکار صاحب‌نظران این جنبش در جوامع مختلف شیوع بیش‌تری پیدا کرده است (Ghassemi Roshan, 2003).

تحقیق صمدی‌راد و همکاران در سال ۱۳۸۶ با عنوان گزارش یک مورد نادر شوهر آزاری در استان آذربایجان شرقی، گزارشی از یک مورد نادر و آشکار خشونت خانگی بوده که به صورت خوردن کپسول‌های حاوی سوزن ته گرد و میخ‌های کوچک در مدت زمانی چند روزه صورت گرفته است، زن عامل خشونت، پیشینه‌ای از خشونت در ازدواج قبلی خود داشته است. نتایج تحقیق نشان داد که عواملی نظیر انگیزه دست‌یابی به دارایی شوهر پس از مرگ تدریجی وی و گونه‌ای از اختلال شخصیت احتمالی در وی سبب اعمال این خشونت بوده است (Samadi Rad et al, 2007).

یافته‌های سفیری و میرزامحمدی در سال ۱۳۸۵ در تحقیقی با عنوان «اعتماد به همسر مطالعه موردی زنان شهر تهران» با استفاده از روش پیمایش و به کارگیری تکنیک پرسشنامه با حجم ۲۸۰ نفر زن، نشان داد که توزیع نمرات اعتماد به همسر پاسخگویان در حدود نیمی کمتر از میانگین بوده و رابطه معنی‌داری بین متغیرهای، پیشینه خانوادگی، اعتماد بنیادین، نوع دوستان همسر،

زیبایی همسر، اقتدار در خانواده، شیوه‌گزینش همسر، معاشرت‌پذیری، همسر آزاری و مدت زمان تعامل روزانه با میزان اعتماد به همسر وجود دارد (Safiri & Mirza Mohammadi, 2006). محسنی‌تبریزی و همکاران در سال ۱۳۹۱ به بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز پزشکی و قانونی و بهزیستی در شهرستان یزد به روش پیمایشی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که تفاوت سنی زوجین، اعتقاد به باورهای مردسالارانه و وضعیت زندگی شوهر در دوران کودکی از نظر تجربه مشاهده و یادگیری خشونت در خانواده و دخالت خویشاوندان با خشونت علیه زنان ارتباط معناداری دارد (Mohseni Tabrizi et al, 2013).

نتایج تحقیقات خارجی

سوزان و جوزف تحقیقی در مورد «ضرب و جرح همسر» در بین اقلیت‌های نژادی باتمرکز بر سیاه پوستان اسپانیایی و هندی پرداختند؛ هر چند که تحقیقات در مورد خشونت خانگی تقریباً به طور انحصاری تمایل به تمرکز بر زن آزاری دارد، ولی نتایج این تحقیق به طور واضح نشان داد که زنان دارای پتانسیل خشونت نیز هستند آنها به طور اجتناب‌ناپذیری از خشونت فیزیکی و کلامی نسبت به همسران خود استفاده می‌کنند (Suzanne & Joseph, 1988).

لیزا در سال ۱۹۹۰ به تحقیقی با عنوان «اعمال خشونت آمیز و نتایج آسیب‌رسان در زوج‌های متأهل» با استفاده از روش کمی و کیفی، برای اندازه‌گیری میزان بروز و عواقب خشونت صمیمی پرداخته است. نمونه مورد مطالعه وی سازمان ملی خانواده و خانوار^۱ (NSFH) بوده است. یافته‌های تحقیق وی نشان داد که بخش عمده‌ای از خشونت‌ها در بین شرکای ازدواج رخ می‌دهد که هر دو طرف (زن و شوهر) در مورد عاملین خشونت گزارش داده‌اند. عواملی چون بی‌اعتمادی به همسر، ضعف‌های شخصیتی و غیره عامل خشونت زنان بوده است. با این حال اطلاعات به دست آمده از نمونه مورد مطالعه نشان داد که احتمال آسیب برای زنان به طور قابل ملاحظه‌ای بیش‌تر از مردان است و بین اعمال خشونت آمیز و نتایج مضر آن تمایز وجود داشته، و واکنشی تجربی از سندرم شوهر آزاری^۲ ارائه می‌دهد (Lisa, 1990).

جووان و همکاران در سال ۲۰۰۶ به تحقیقی با عنوان «شوهر آزاری، برابری یا انتقام؟» با روش مطالعه موردی پرداخته‌اند. نویسندگان این‌گونه استدلال می‌کنند که مشکل اولیه از «خشونت علیه زنان» توسط فمینیست‌ها در سال ۱۹۷۰ با عنوان «خشونت خانگی»، شروع شده و سپس به «خشونت علیه شوهر» تبدیل شده است. نویسندگان از این مشکل تازه شناسایی شده، یعنی شوهر آزاری این‌گونه استدلال می‌کنند که این اسطوره که مردان اغلب زنان را مورد آزار قرار می‌دهند، بحثی است که چند دهه پژوهش، نظریه و کار فمینیستی را به چالش می‌کشد و در واقع

¹. National Survey of Family and Households

². Husband Syndrome abuse

منعکس کننده یک واکنش در برابر پیروزی به دست آوردهای فمینیست و گروه‌های امنیت زنان است. با این حال، بحث جدید اطراف خشونت علیه مردان است و این واکنش، واکنشی ضد فمینیستی نیست. در واقع نویسندگان می‌خواهند نشان دهند که در سایه موفقیت‌های فمینیسم، همراه با مدیریت نئولیبرال، جنش‌های جدید در حال ظهور مردان، ارتباطات و رسانه‌ها، نگرش به مسائل و شیوه‌های جدیدی مطرح شده است که به نوعی اشاره به آن نوعی از خشونت در بین زن و شوهر دارد که طنین‌انداز ترویج برابری است (Joanne et al, 2006).

هدید و باسل در سال ۲۰۰۷، تحقیقی تحت عنوان «سنخ‌شناسی خشونت در بین زنان تردیناند» به روش کیفی و مصاحبه رودر رو با هفده زن جهت شناسایی ابعاد خشونت و تاثیرات آن انجام داده‌اند. نتایج تحقیقات نشان داد که ۷۰ درصدشان خشونت فیزیکی، ۴۱ درصد خشونت جنسی، ۸۸ درصد خشونت عاطفی و ۸۰ درصدشان کنترل رفتار را تجربه کرده بودند. بیش‌تر خشونت‌ها در سال‌های اول زندگی زوجین اتفاق افتاده بود. همه زنان اذعان داشتند که از افسردگی جدی رنج می‌برند، نگرانی، استرس و اضطراب از دیگر پیامدهایی بود که زنان در نتیجه تاثیر خشونت‌های خانگی گزارش کرده بودند (Hadeed & Bassel, 2007).

جمع‌بندی نظری و تجربی و ارائه مدل تحلیلی

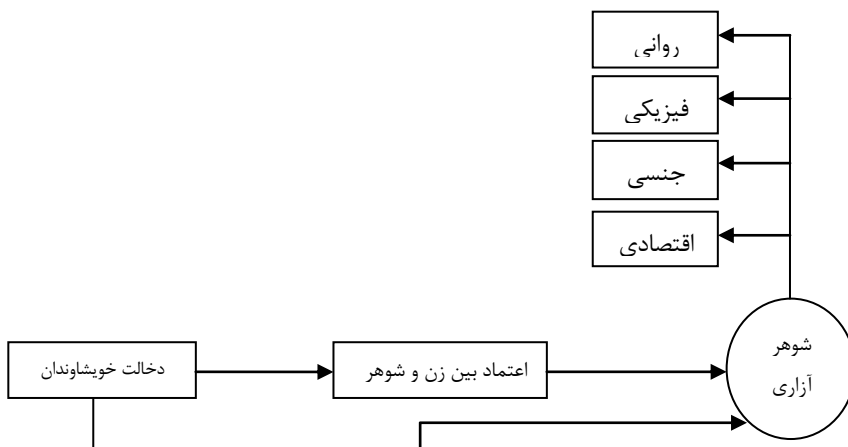
همان‌طور گفته شد در بین انواع همسر آزاری، پدیده شوهر آزاری، پدیده‌ای غیر شایع نیست که بتوان از آن صرف نظر کرد و امروزه با پیشرفت تکنولوژی و افزایش آگاهی و تحصیلات زنان در مورد حقوق خود می‌توان گفت که پدیده همسر آزاری شامل حال هر دو نفر از زوجین می‌شود و عواملی چون دخالت خویشاوندان اعتماد بین همسران و سایر عوامل در این موضوع دخیل‌اند. این موضوع نه تنها در کشور ما بلکه در گوشه و کنار کشورهای این کره خاکی نیز به چشم می‌خورد، لذا جهت تبیین نظری و تجربی در این زمینه از نظریه‌های شبکه، منابع، نظریه اثرات تعامل هابرماس و اعتماد اجتماعی فوکویاما و هم‌چنین نتایج مشابهی از تحقیقاتی که در این زمینه نگاشته شده جهت غنی‌سازی تحقیق حاضر استفاده شده است. در ادامه جهت نشان دادن میزان کاربردی بودن چهارچوب نظری و نتایج تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج کشور جدول شماره ۱ و ۲ ترتیب داده شده است.

جدول شماره (۱): جدول تلخیص نظری و متغیرهای استخراج شده از نظریه‌ها

نظریه	محقق	متغیرهای استخراجی
نظریه شبکه	الیزابت بات	دخالت خویشاوندان، همسرآزاری
نظریه اثرات تعامل	چلیبی و هابرماس	اعتماد، همسرآزاری
نظریه سرمایه اجتماعی	فوکویاما	شرایط گفتگو، اعتماد
نظریه منابع	ویلیامگود	دسترسی به منابع مهم خانواده، تحصیلات، شغل و درآمد، همسرآزاری

جدول شماره (۲): جدول تلخیص نتایج تحقیقات پیشین

متغیرهای استخراج شده	محقق
شوهرآزاری	قاسمی روشن (۱۳۸۲)
شوهرآزاری مالی، ازدواج اجباری	صمدی‌راد و همکاران (۱۳۸۶)
اعتماد به همسر	سفیری و میرزامحمدی (۱۳۸۵)
همسرآزاری، دخالت خویشاوندان	محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰)
شوهرآزاری	ساندرز (۱۹۹۰)
شوهرآزاری، اعتماد به همسر	لیزا (۱۹۹۰)
شوهرآزاری	جووان و همکاران (۲۰۰۶)
همسرآزاری	هدیدوباسل (۲۰۰۷)



شکل (۱): مدل نظری پژوهش

در مجموع با تکیه بر چارچوب نظری، مدل مفهومی و پیشینه پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را

طرح نمود:

- ۱- میانگین شوهرآزاری در بین مردان متأهل به تفکیک سطح تحصیلات زنان متفاوت از هم است.
- ۲- میانگین شوهرآزاری در بین مردان متأهل به تفکیک نوع شغلشان متفاوت از هم است.
- ۳- میانگین شوهرآزاری در بین مردان متأهل به تفکیک نوع ازدواج متفاوت از هم است.
- ۴- بین مداخله خویشاوندان زنان با میزان شوهرآزاری در خانواده رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اعتماد اجتماعی بین زوجین و میزان شوهرآزاری در خانواده رابطه وجود دارد.
- ۶- متغیر دخالت خویشاوندان از طریق متغیر اعتماد اجتماعی بر شوهرآزاری تاثیرگذار است.

روش پژوهش

این تحقیق به جهت نوع آن، پیمایشی بوده که می‌توان آن را جزء تحقیقات پهنانگر به حساب آورد. هم‌چنین بر اساس معیار زمانی مقطعی است؛ چرا که این تحقیق در سال ۱۳۹۳ اجرا شده است. برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه به صورت بسته پاسخ (در قالب طیف لیکرت) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. جمعیت آماری این پژوهش مردان متأهل شهر تبریز می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۴۵۷۳۳۹ نفر بوده است و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۲۷۰ نفر می‌باشد. و روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. با این روش، در ۱۰ منطقه شهرداری تبریز به نسبت جمعیت حاضر در هر ناحیه پرسشنامه‌ها توزیع و جمع‌آوری گردیدند.

اعتبار و پایایی ابزار تحقیق

برای سنجش متغیر شوهرآزاری، از ۳۰ گویه شش گزینه‌ای در سطح رتبه‌ای به صورت طیف لیکرت طراحی شده است. به منظور تفکیک و دسته‌بندی سوالات ۳۰ گانه مربوط به شوهرآزاری از تکنیک تحلیل عاملی بر اساس تجزیه و به مولفه‌های اصلی استفاده شده که طبق نتایج این آزمون مقدار KMO برابر با ۰/۹۶ به دست آمده است و چون این مقدار از ۰/۶ بیش‌تر است، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است. هم‌چنین مقدار کروییت بارلت نیز با معنی داری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و سوالات مندرج در هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با هم دارند. در مجموع، تمام چهار عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک توانسته‌اند حدود ۸۲ درصد از واریانس سازه شوهرآزاری را تبیین کنند. بارهای عاملی چرخش داده شده به روش واریماکس انجام گرفته است. هم‌چنین تحلیل پایایی گویه‌های هر یک از ابعاد متغیرهای شوهرآزاری و اعتماد بین زوجین و دخالت خویشاوندان حاکی از پایایی درونی بالای بین سنجه‌های مورد بررسی است.

جدول شماره (۳): نتایج تحلیل عاملی و تحلیل پایایی گویه‌های مربوط به سازه شوهر‌آزاری

متغیر	ابعاد	بار عاملی	واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ کل	
شوهر آزاری	شوهر آزاری روانی	۰/۷۷	۵۷/۹۳	۸/۱۵	۰/۷۳		
		داد زدن، با صدای بلند حرف زدن					
		۰/۸۲					فحش و ناپسزا و لعنت کردن
		۰/۸۰					نگاه تمسخر آمیز و انتساب صفات ناشایست
		۰/۷۹					شکستن غرور و شخصیت
		۰/۸۰					تحقیر کردن اندام و ظاهر فرد
		۰/۸۳					تحقیر و توهین به دوستان و آشنایان
		۰/۸۱					شکستن حرمت پدر در نزد فرزندان
		۰/۸۱					سرزنش، تحقیر و انتقاد از خانواده همسر
		۰/۸۳					تخریب حیثیت و آبروی شوهر
۰/۸۱	تحقیر علایق افکار و عقاید شما						
شوهر آزاری فیزیکی	شوهر آزاری فیزیکی	۰/۷۸	۱۱/۰۹	۶/۷۳	۰/۷۶	۰/۹۷	
		هل دادن به هنگام جر و بحث					
		۰/۸۲					ضربه زدن با دست و لگد
		۰/۸۵					سیلی زدن
		۰/۸۵					کشیدن موو یا لباس
		۰/۸۰					تف انداختن
		۰/۸۴					مشت زدن و کبود کردن بدن
۰/۸۲	حمله کردن با وسایل منزل						
۰/۷۵	بیدار کردن از خواب به صورت عمدی و مکرر						
شوهر آزاری مالی	شوهر آزاری مالی	۰/۷۶	۸/۰۲۷	۵/۵۴			
		بررسی پول توجیبی					
		۰/۷۸					ریخت و پاش اعتراضی
		۰/۷۷					تهدید به دریافت نفقه و مهریه
		۰/۷۹					بررسی مغرضانه حساب و کتاب پول‌ها
		۰/۸۰					خساست در مایحتاج خانه
		۰/۷۷					اسراف در خرید کالا
۰/۷۵	فروش اساس منزل						
شوهر آزاری جنسی	شوهر آزاری جنسی	۰/۸۲	۵/۱۲	۴/۲۲	۰/۸۳		
		بی تمایلی برقراری رابطه جنسی					
		۰/۸۱					بیان تحقیرآمیز ناراضی‌تی در رابطه جنسی
		۰/۷۹					اکراه و دلسردی در رابطه جنسی
		۰/۸۲					وادار کردن به رابطه ی جنسی با زور
۰/۷۹	عدم توجه به خواسته‌ها و علایق همسر در هنگام نزدیکی						
		KMO=0/962	BTS =2135/5	Sig=0/000			

جدول شماره (۴): نتایج ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
اعتماد بین زوجین	۶	۰/۹۳
دخالته خویشاوندان	۷	۰/۹۸

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته (شوهر آزاری): رفتاری آزاردهنده، از سوی زن علیه شوهر که در محیط خانواده به وقوع می‌پیوندد و حقوق او را پایمال می‌کند (Ghassemi Roshan, 2003, P 6). در تعریف عملیاتی شوهر آزاری از چهار بعد مورد بررسی قرار گرفته است:

شوهر آزاری روانی: بعضی از خشونت‌های زنان، به روح و روان شوهر آسیب می‌رساند و او را تحت فشارهای روحی و روانی قرار می‌دهد. معمولاً این نوع شوهر آزاری شیوع بیش‌تری داشته و به صورت غیرمستقیم اثرات مخربی بر جای می‌گذارد

(Kraj, 2002, P 52)، گویه یاد شده با معرف‌هایی چون تخریب حیثیت و آبروی شوهر، شکستن حرمت پدر در نزد فرزندان، شکستن غرور و شخصیت وی، فحاشی و انتساب صفات ناشایست، عدم توجه به خواست و انتظارات شوهر، تبعیض بین خویشاوندان خود و شوهر، مقایسه نامناسب همسر با سایر مردان، بزرگ‌نمایی مسائل جزئی، بدبینی و سوءظن سنجیده شده است.

شوهر آزاری فیزیکی: این مسئله اغلب در خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که زن دارای تسلط و قدرت بیش‌تری است. در این خانواده‌ها زن نقش اصلی را در خانواده ایفا می‌کند و توقع دارد که سایر اعضای خانواده تصمیمات وی را پذیرفته و به آن احترام بگذارند، هم‌چنین در مواردی که زن احساس کند دستورات او توسط شوهرش نقض می‌گردد، این حق را برای خود محفوظ می‌داند که با او درگیری فیزیکی داشته باشد (Ghassemi Roshan, 2003, P 50). گویه یاد شده با معرف‌هایی چون ضرب و جرح، گاز گرفتن، چنگ انداختن، سیلی زدن سنجیده شده است.

شوهر آزاری اقتصادی: نوع دیگری از آزار و اذیت علیه شوهر صبغه اقتصادی داشته که عمدتاً شامل تصرف بدون اجازه، تخریب و نابودی اموال شوهر می‌باشد (Ghassemi Roshan, 2003, P 52). گویه یاد شده با معرف‌هایی چون بخشش اموال شوهر به اطرافیان و نیازمندان بدون مشورت و اطلاع‌رسانی، تصرف غیرقانونی اموال شوهر، اسراف نوع دیگری از آزارهای اقتصادی زنان است که شامل دور ریختن مواد خوراکی و پوشاکی و ریختن و پاش اعتراضی و غیره سنجیده شده است.

شوهر آزاری جنسی: ارضای نیاز جنسی شوهر به جهت جلوگیری از انحرافات اخلاقی همسر، که در بعضی از مواقع اجتناب از تأمین این نیاز منجر به آزار و اذیت مرد شده و زمینه را برای مواجهه مرد با زنان دیگر و تحریک غریزی و مشکلات روحی و روانی فراهم می‌کند (Joanne et al, 2006, P 375). گویه یاد شده با معرف‌هایی چون محرومیت جنسی بی‌دلیل، بی‌میلی جنسی، برخورد سرد

در هنگام نزدیکی، عدم رعایت بهداشت بدنی، انجام عمل جنسی به صورت بی‌ رغبت و بی‌ حوصله سنجیده شده است.

تعریف متغیر دخالت خویشاوندان همسر

عبارت از میزان تاثیر گذاری خویشاوندان در زندگی زناشویی زوجین به نحوی که روند سالم و ثابت زندگی زوجین را دچار بحران نموده و احتمال اختلاف، خشونت، یا جدایی را بین آنها افزایش دهد (Riahi et al, 2007. P 123). جهت تعیین میزان دخالت خویشاوندان در زندگی زن و شوهر از معرف‌هایی نظیر دخالت خویشاوندان زن در امور خانوادگی مانند دخالت در نحوه هزینه‌های خانوادگی، زمان مسافرت، برگزاری مراسم خانوادگی، دید و بازدیدها، امر و نهی‌ها و غیره استفاده شده است.

تعریف متغیر اعتماد بین زن و شوهر

اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد و این نوع اعتماد حداقل بین دو نفر است. اعتماد بین شخصی را می‌توان به معنی داشتن حس ظن فرد نسبت به سایر افراد جامعه (اعضای شبکه) تعریف کرد، که این موجب گسترش و تسهیل هر چه بیش‌تر روابط اجتماعی فرد با آنها و در نتیجه تقویت و تداوم رابطه می‌گردد (Sa'adati, 2011. P 126). این متغیر که بعدی از سرمایه اجتماعی می‌باشد با گویه‌هایی نظیر میزان عمل به قول متقابل، میزان رک‌گویی بین زن و شوهر، میزان انتقادپذیری متقابل، میزان همکاری متقابل، میزان وفاداری متقابل، میزان تفاهم متقابل، میزان خیرخواهی متقابل، و میزان اطمینان به حرف‌های همدیگر سنجیده می‌شود.

سطح تحصیلات: منظور تعداد سال‌هایی است که هر یک از زوجین صرف کسب علم و دانش مطابق با نظام آموزش رسمی کشور نموده‌اند. این متغیر در سطح ترتیبی با گزینه‌هایی چون ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و بالاتر سنجیده شده است.

وضعیت اشتغال: کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدف‌شان تولید کالا و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌سازد. شغل یا پیشه کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظم انجام می‌شود- (Giddens, 1996. P 516-517).

نوع ازدواج: منظور این است که ازدواج زوجین اجباری بوده یا اختیاری.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات به‌دست آمده از جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه مقدار میانگین به‌دست آمده برای متغیر شوهر آزاری ۷۰/۹۳ از مقدار میانگین طیفی کمتر می‌باشد، بنابراین

می‌توان گفت که پاسخگویان از میزان شوهر آزاری متوسط به پایینی برخوردارند. اطلاعات به دست آمده از جدول نشان داد، مقدار همسر آزاری روانی، جنسی و فیزیکی متوسط به پایین مقدار ولی میزان همسر آزاری مالی با میانگین ۲۶/۸۵ بیش تر از میانگین طیفی بوده و پاسخگویان از میزان شوهر آزاری مالی متوسط به بالایی برخوردارند. نتایج دیگر اینکه میزان دخالت خویشاوندان با میانگین ۲۸/۰۸ در بین پاسخگویان مورد مطالعه متوسط به بالا و متغیر اعتماد بین زوجین با میانگین ۲۳/۵۶ در حد متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول شماره (۵): آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	میانگین طیفی	میانگین به‌دست آمده	چولگی
شوهر آزاری	۱۵۰	۳۰	۱۸۰	۳۶/۷	۱۰۵	۷۰/۹۳	۰/۵۶
شوهر آزاری روانی	۵۰	۱۰	۶۰	۱۶	۳۵	۲۶/۴۱	۰/۶۶
شوهر آزاری فیزیکی	۴۰	۸	۴۸	۹/۲۴	۲۸	۱۴/۷۸	۱/۴۵
شوهر آزاری جنسی	۲۵	۵	۳۰	۶/۴۲	۱۷/۵	۱۰/۰۶	۱/۲۸
شوهر آزاری مالی	۳۵	۷	۴۲	۱۲/۰۴	۲۴/۵	۲۶/۵۸	۰/۴۹
دخالت خویشاوندان	۳۵	۷	۴۲	۱۲/۲۳	۲۴/۵	۲۶/۰۸	۰/۵۹
اعتماد بین زوجین	۳۰	۶	۳۶	۸/۱۹	۲۱	۲۳/۵۶	-۰/۴۴

در ادامه به آزمون فرضیه‌ها پرداخت می‌شود. اطلاعات حاصل از جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که میانگین شوهر آزاری به تفکیک نوع ازدواج آنها متفاوت از هم می‌باشد و میانگین شوهر آزاری در بین مردان با ازدواج اجباری ۷۳/۶ و مردان با ازدواج اختیاری ۷۰/۶ می‌باشد؛ بدین معنی که مردانی که ازدواج اجباری داشته‌اند از شوهر آزاری بیش تری نسبت به مردانی که ازدواج اختیاری داشته‌اند، تجربه کرده‌اند. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که دولتی یا آزاد بودن شغل همسر تأثیری در میزان شوهر آزاری پاسخگویان ندارد.

جدول شماره (۶): نتایج تحلیلی روابط میان متغیرهای زمینه‌ای و شوهر آزاری

متغیرهای زمینه‌ای	نوع ازدواج		میانگین شوهر آزاری
	اجباری	اختیاری	
میانگین شوهر آزاری	۷۳/۶	۷۰/۶	۰/۲
	۲۵/۱۲	۲۵/۶۳	
معنی داری t	۰/۲۰۸		

میانگین شوهر آزاری در بین مردان به تفکیک میزان تحصیلات زنان آنها متفاوت از هم می‌باشد. با توجه به سطح سنجش شوهر آزاری و سطح تحصیلات زنان، از آزمون آنالیز واریانس (F) استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین شوهر آزاری به تفکیک میزان تحصیلات زنان پاسخگویان متفاوت بوده است؛ بدین معنی که مردانی که همسرانشان دارای مدارک تحصیلی

بالایی می باشد، میزان شوهر آزاری بیش تری را نسبت به سایر مردان تجربه نموده اند. مورد یاد شده از طریق نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز مورد تایید قرار گرفت.

جدول شماره (۷): نتیجه تحلیل واریانس شوهر آزاری بر حسب تحصیلات

گروه‌های متغیر مستقل (سطح تحصیلات)	میانگین	آنالیز واریانس یک طرفه
ابتدایی	۶۸/۹	
راهنمایی	۶۹/۱	مقدار F ۲/۵۷
دیپلم	۶۷/۳	
فوق دیپلم	۷۱/۹	
لیسانس	۷۷/۵	سطح معنی داری ۰/۰۳
فوق لیسانس و بالاتر	۷۸/۲	

برای آزمون رابطه بین متغیرهای اعتماد بین زوجین و دخالت خویشاوندان با شوهر آزاری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که دو متغیر اعتماد بین زوجین و دخالت خویشاوندان در سطح احتمال ۹۵ درصد همبستگی معنی داری با شوهر آزاری دارند. لیکن متغیر اعتماد بین زوجین با شوهر آزاری همبستگی معکوس یا منفی دارد؛ یعنی هر چقدر میزان اعتماد در بین افراد مورد مطالعه بالا باشد، به همان میزان از میزان شوهر آزاری کاسته می گردد و برعکس. هم چنین بین متغیر دخالت خویشاوندان و شوهر آزاری رابطه مثبتی وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش دخالت خویشاوندان زن، میزان شوهر آزاری نیز افزایش و با کاهش دخالت، میزان شوهر آزاری نیز کاهش می یابد.

جدول شماره (۸): آزمون همبستگی پیرسون (بررسی رابطه بین متغیرها)

بررسی رابطه بین متغیرها	شدت همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون فرضیه
رابطه بین شوهر آزاری و اعتماد بین زوجین	۰/۴۸**	۰/۰۰۰	قبول موقت
رابطه بین شوهر آزاری و دخالت خویشاوندان	۰/۷۳**	۰/۰۰۰	قبول موقت

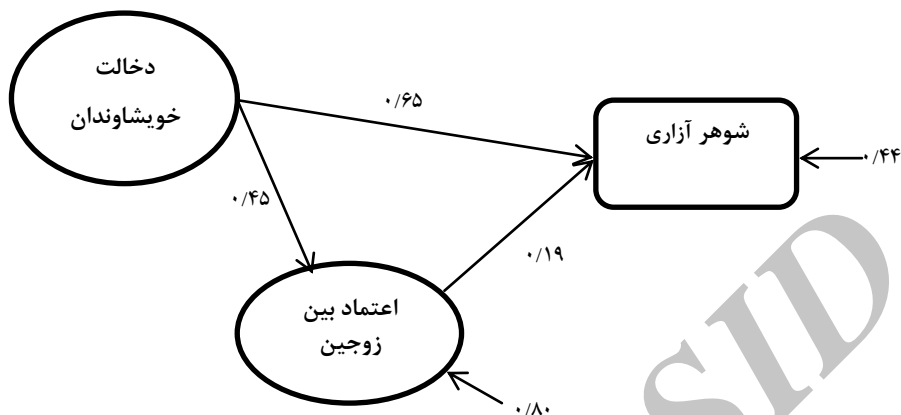
در نهایت، پس از انجام تحلیل همبستگی متغیرها، برازش مدل رگرسیونی با کنترل پیش فرض‌های آن صورت پذیرفت: از جمله مقدار آزمون دوربین واتسون که فرض مستقل بودن خطاها یا باقی مانده‌ها را آزمون می کند، دامنه این کمیت بین ۰ و ۴ است و به طور معمول محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ مورد قبول و نشان دهنده مستقل بودن باقی مانده‌ها از یکدیگر می باشد. در این تحقیق مقدار دوربین واتسون ۱/۶۴ به دست آمده که نشان می دهد باقی مانده‌ها مستقل از همدیگرند. مقدار آماره آزمون F نیز نشان دهنده وجود رابطه خطی بین متغیرهاست. و هم چنین مقدار آماره آزمون VIF نیز در محدوده قابل قبول (کمتر از ۲/۵) قرار گرفته است، بدین معنا که بین متغیرهای

پیش‌بین تحقیق همپوشانی معناداری وجود ندارد. بنابراین پیش فرض عدم وجود رابطه هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین نیز تایید می‌شود. با لحاظ موارد یاد شده نتایج حاصل از روش رگرسیون گام به گام، نشان می‌دهد که متغیرهای دخالت خویشاوندان و اعتماد بین زوجین وارد مدل نهایی شده‌اند. اطلاعات این جدول حاکی از آن است که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، تأیید شده است و ضریب تبیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۰/۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مذکور تبیین شده است. هم‌چنین، ضرایب استاندارد بتا بیانگر این امر است که به ازای یک واحد افزایش در متغیر اعتماد بین همسران میزان شوهر آزاری با ضریب ۰/۱۸- کاهش می‌یابد و هم‌چنین متغیر وابسته (شوهر آزاری) بیش‌تر متاثر از متغیر دخالت خویشاوندان است. به عبارتی به ازای یک واحد افزایش در متغیر دخالت خویشاوندان متغیر مذکور با ضریب ۰/۶۴ افزایش می‌یابد.

جدول (۹): آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره شوهر آزاری

متغیر	Beta	T	سطح معناداری	ضریب تبیین	۰/۵۶
دخالت خویشاوندان	۰/۶۴	۱۴/۰۹	۰/۰۰۰	ضریب تبیین تعدیل شده	۰/۵۵
اعتماد بین زوجین	-۰/۱۸	-۴/۰۸	۰/۰۰۰	کمیت دروبین واتسون	۱/۶۴
کمیت F					۱۶۸/۰۲
تحلیل واریانس					۰۰۰/۰
سطح معناداری					

نهایتاً برای آزمون فرضیه، متغیر دخالت خویشاوندان از طریق متغیر اعتماد اجتماعی بر شوهر آزاری تاثیر گذار است از تحلیل مسیر با کاربرد نرم افزار لیزرل استفاده شده است. یکی از شاخص‌های نیکویی بر ارزش برای همخوانی داده‌های تجربی با مد نظری ترسیمی میزان خطا می‌باشد که این امر در حد مطلوبی محقق شده است. به عبارت دیگر، پایین بودن مقدار خطای مدل یعنی RMSEA نشان می‌دهد داده‌های تجربی گردآوری شده مدل نظری را حمایت می‌کند. طبق ضرایب مدل مسیر، اثر مستقیم متغیر دخالت خویشاوندان بر شوهر آزاری برابر ۰/۶۵ و اثر غیر مستقیم آن از طریق متغیر اعتماد بین زن و شوهر ۰/۰۸۶ بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که، هر چند اثر غیر مستقیم دخالت خویشاوندان بر شوهر آزاری قابل توجه است. اما دخالت خویشاوندان بر شوهر آزاری عمدتاً به صورت مستقیم بوده و از این طریق موجب بالا رفتن میزان شوهر آزاری شده است و مجموع اثرات کل حاصله ۰/۷۳ می‌باشد. این دو متغیر به ویژه دخالت خویشاوندان در کل ۵۷ درصد از تغییرات شوهر آزاری را مورد تبیین قرار داده‌اند.



شکل (۲): مدل مسیر تاثیرگذاری متغیر دخالت خویشاوندان از طریق متغیر اعتماد اجتماعی بر شوهر آزاری

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله، به بررسی مطالعه نقش واسطه‌ای اعتماد بین زوجین در تاثیر گذاری دخالت خویشاوندان بر شوهر آزاری در بین مردان کلان شهر تبریز پرداخته است. تصویری کلی که از ویژگی‌های اجتماعی، جمعیتی، خانوادگی و اقتصادی این شهر به دست آمده، این است که شهر تبریز دارای بافت و ساختاری در حال گذار از سنتی به مدرن است و با ورود زنان به عرصه‌های عمومی، در روابط بین زنان و مردان در همه میدان‌های اجتماعی و بویژه در داخل خانواده‌ها تغییراتی حادث گردیده است. بر اساس مطالعات مقدماتی و اکتشافی انجام شده می‌توان گفت که پدیده همسر آزاری شامل حال هر دو نفر از زوجین است. هر چند در گذشته به هنگام بحث در ارتباط با خشونت خانوادگی، عمدتاً خشونت علیه زنان مد نظر بوده است، ولی اخیراً خشونت علیه شوهران و یا به عبارتی خشونت علیه مردان نیز در حال شروع بوده که برای تبیین آن، به فراخور موضوع مورد مطالعه، از نظریات شبکه، اثرات تعامل، اعتماد اجتماعی فوکویاما و در نهایت از نظریه منابع استفاده شده است. با الهام از نظریات یاد شده و آزمون بخشی از محتوای آنها، می‌توان استنباط کرد که متغیرهای تحصیلات زنان، دخالت خویشاوندان همسر، نوع ازدواج و اعتماد بین زوجین بر رفتارهای خشونت‌آمیز علیه شوهران تاثیر داشته است. به لحاظ نظری و تجربی و با تاکید بر نظریه‌های مورد استفاده می‌توان گفت که هرچه میزان دخالت خویشاوندان زوجین بیش-تر باشد، میزان شوهر آزاری در خانواده نیز بیش‌تر می‌شود و بالعکس؛ چیزی که در این تحقیق تایید شده است. نتیجه دیگر اینکه، رابطه معکوس و معناداری میان اعتماد بین زوجین و شوهر آزاری مشاهده شده است. بر این اساس، هر چه میزان اعتماد بین زن و شوهر افزایش یابد، میزان خشونت زنان علیه شوهرانشان کاهش خواهد یافت؛ به این نحو که اگر یکی از شاکله‌های اصلی

دوام خانواده یعنی اعتماد اجتماعی، رو به فرسایش و زوال گذارد، در اینصورت تکیه‌گاه‌ها و به عبارتی ستون‌های نگهدارنده خانواده متلاشی شده و به تبع آن بحران در روابط تک تک اعضای خانواده پدیدار خواهد گشت که در این میان، وجود خشونت‌های متقابل زوجین و مواردی مانند آن‌گریز ناپذیر خواهد بود. یکی از نتایج دیگر این تحقیق اینکه، مردانی که ازدواج اجباری داشته‌اند، شوهر آزاری بیش‌تری را نسبت به مردانی که ازدواج اختیاری داشته‌اند، تجربه کرده و زنانی که از تحصیلات بالایی برخوردار بودند، میزان بیش‌تری از خشونت را علیه شوهران خود در خانواده اعمال نموده‌اند. این امر به این مفهوم است که هم‌زمان با افزایش منابع زنان متاهل، قدرت آنها نیز افزایش می‌یابد. مورد یاد شده به طور ضمنی می‌تواند روند به چالش کشیده شدن پدرسالاری را به تصویر بکشد. کلام پایانی اینکه اگر می‌خواهیم بر اساس یافته‌ها از شوهر آزاری در درون خانواده به عنوان پدیده نابهنجار در حال شیوع، کاسته شود، ضروری است که به خانواده‌ها و مخصوصاً زن و شوهرها از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری، کتب و مجلات، روشنگری‌های لازم (اجازه استقلال فکری به زوجین در راستای اعتماد سازی بین آنها و کاهش دخالت‌های نابجای طرف ثالث و مواردی مانند آن) داده شود؛ چرا که در فردایی نه چندان دور احتمال دارد جدالی سخت و بنیان بر افکن بر ثبات خانواده‌ها و به تبع آن بر توسعه اجتماعی سایه اندازد؛ زیرا که خانواده‌ها ستون اجتماعند که اگر آسیب ببینند، کل جامعه را متاثر می‌سازند.

References

- AzamAzadeh, M. and Dehghanfard, R. (2006). Violence against women in Tehran: The role of gender socialization, resources available to women and family relations. **Women in Development (Women's Policy Research)**, No. 4, PP. 159-175 (Persian).
- Abbaszadeh, M. Koochi, K. Ehyayi, P. (2015). Investigating Socioeconomic Factors Related to Women's Violence against Their Husbands in Families (Case Study: Married Men in the City of Tabriz). **International Journal of Humanities and Social Science Invention (IJHSSI)**. Vol. 4. No. 7. pp 5-11.
- Abbaszadeh, M. Koochi, K. Ehyayi, P. (2015). The Study of the Interventional Role of the Type of Power Relations in Influencing of Status Inconsistency on wife abuse. **International journal advances in social sciences and humanities**. Vol. 3. No. 6. pp 1-9.
- Chalabi, M. (1996). **The sociology of order**, Tehran: Nei (Persian).
- Chanley, J. Thomas J. R, Wendy, M. R. (2000). The Origins and Consequences of Public Trust in Government: A Time Series Analysis, **Public Opinion Quarterly**, No. 64, PP. 239-256.
- Dallos. R. and McLaughlin. E. (1994). **Social Problems and the Family**, London Sage publication.
- Ezazi, Sh. (2001). **Family violence against battered women**. Tehran: Sali Publication (Persian).
- Ezazi, Sh. (2004). The structure of the society and violence against women. **Quarterly Journal of Social Welfare**. Year 4, No. 14, PP. 47-82 (Persian).
- Gelles, R. J. (1977). The violent home a study of physical aggression between husbands and wives. **Journal of marriage and the family**. Vol. 39, No. 2, PP. 431-434.
- GhassemiRoshan, E. (2003). Husband abuse, abuse against husband's behaviors. **Journal of Women Strategic Studies**. No. 20, PP. 43-68 (Persian).
- Giddens, A. (1996). **Sociology**. Translated by: M. Sabouri, Tehran: Nei (Persian).
- Haarr, R. N. (2007). Wife Abuse in Tajikistan. **Feminist criminology**. No. 2, PP. 245-261.
- Habermas, J. (1998). Communicative action: an alternative to violence. Translated by: E. Soltani. **Journal of Kiyan**. No. pp 45. (Persian).

- Hadeed, L. baseel, N. (2007). Typologies of abuse among afro-trinidadian women. **Journal of interpersonal violence**. No. 5, PP. 479-497.
- Kraj, Zh. (2002). **Psychological diseases**. Translated by: M. Mansour and P. Dadsetan. Tehran: Roshd Publication (Persian).
- Kranz, G. Phuong, T.V.Larsson, V. Thi Bich Thuan, N. and Ringsberg, K.C. (2005). Intimate partner violence: forms, consequences and preparedness to act as perceived by healthcare staff and district and community leaders in a rural district in northern Vietnam. **Journal of the Royal Institute of Public Health**. Vol. 119, PP. 1048-1055.
- Lisa, D. (1990). Brush. Violent Acts and Injurious Outcomes in Married Couples: Methodological Issues in the National Survey of Families and Households. **Gender and Society Journal**. Vol. 4, No. 1, PP. 56-67.
- Mohseni Tabrizi, A. Kaldi, A. Javadianzadeh, M. (2013). The Study of Domestic Violence in Married Women Admitted to Yazd Legal Medicine Organization and Welfare Organization. **The Journal of Toloo-e-behdasht**. Vol. 11, No. 3, PP. 11-24 (Persian).
- Rahmati, M (2009). **Sociology of sports violence**. Tehran: Elmi and Farhangi Publication Co (Persian).
- Riahi, M. E. et al. (2007). A sociological analysis of tendency towards divorce, case study of Kermanshah Township. **Journal of Women's Research**, Vol. 5, No. 3, PP. 109-140 (Persian).
- Sa'adati, M. (2011). **Investigating the relationship between social capital on mental health and domestic violence**. MA thesis, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz (Persian).
- Safiri, Kh. And Mirza Mohammadi, M. (2006). Trust in husbands, case study in Tehran, **Iranian Journal of Social Studies**. Year 1. No. 1. PP. 125-185 (Persian).
- Samadi Rad, B., et al. (2007). Reporting a rare case of husband abuse. **Journal of Forensic Medicine**, Year 13, No. 4, PP. 261-264 (Persian).
- Seddigh Sarvestani, R. (2008). **Sociology of deviance and social pathology**, Tehran: SAMT (Persian).
- Suzanne K. Steinmetz, Joseph, Lucca, S. (1988). **Husband Battering**, Handbook of Family Violence, PP. 233-246.